

مِيقَاتُ

نقد کتاب



ابو الوليد ازرقی و کتاب او «اخبار مکه»

محمد علی مهدوی راد

مکه شهر کهن و ارجمندی است که توجه ملتها، قومها و نسلها بدان، پیشینه‌ای بس کهن دارد. در تاریخ اسلام و دوره تدوین آثار تاریخی و جغرافیایی، این دیار مقدس بیشتر و پیشتر از هرجایی مورد توجه بوده است. پیشتر درباره پیشینه نگارشهای مرتبط با مکه سخن گفته‌ایم،^۱ در ضمن آن مقاله، وعده دادیم تا درباره یکی دیگر از آثار ارجمند و کهن تاریخ مکه، گزارشی تفصیلی عرضه کنیم. این کتاب با عنوان «اخبار مکه...» اثری است ارجمند بخامه محمد بن عبدالله... ازرقی. ظاهراً کتاب ازرقی را باید کهنترین اثر تاریخی موجود درباره مکه دانست.^۲

مؤلف آن:

محمد بن عبدالله بن احمد بن محمد بن ولید بن عقبه غسانی مشهور به «ابوالولید ازرقی مکی» از محدثان و مورخان اسلامی است که متأسفانه از سالزاد دقیق وی اطلاع نداریم. ابن ندیم از وی چنین یاد کرده است:

محمد بن عبدالله... عقبه بن الأزرق... از جمله کتابهای او «کتاب مکه و اخبارها و جبالها و اودیتها»

است که کتابی بزرگ است.^۳

محقق کتاب نوشته است:

مؤلف کتاب (ازرقی) در قرن دوم هجری در مکه مکرمه به دنیا آمده است. تاریخ دقیق تولد وی روشن نیست، هیچیک از مورخان، تاریخ تولد وی را ننوشته‌اند. مورخان پیشین از وی یاد نکرده‌اند؛ و آنچه از زندگانی وی در اختیار داریم از گزارش متأخران است.^۴

سالمرگ وی نیز روشن نیست. حاج خلیفه در ضمن یادکرد کتاب وی، نوشته است:

«الإمام ابوالولید محمد بن عبدالکریم الأزرقی، المتوفی سنة ۲۲۳».^۵

برخی دیگر به سال ۲۱۲ اشاره کرده‌اند^۶ اما محمد بن علی فاسی بر این باور است که

تا سال ۲۴۸ زنده بوده است.^۷

وستنفیلد آلمانی که برای اولین بار کتاب را منتشر کرده است، با توجه به نقلهای حوادث در کتاب، به نقد سخن فاسی پرداخته و سالمرگ ازرقی را ۲۴۴ نوشته است. محقق کتاب دیدگاه وی را نپذیرفته و با نقد دیدگاه وی، بر این باور است که استظهار فاسی پربیراه نیست و ظاهراً ازرقی تا سال ۲۴۸ زنده بوده است.^۸

خیرالدین زرکلی، در متن کتاب حدود ۲۵۰ را نوشته و در پانویست، ضمن ارائه مصادر شرح حال ازرقی، اختلاف اقوال را بررسی کرده است.^۹

بهرحال از چگونگی زندگانی و سوانح حیات ازرقی اطلاعی در دست نیست و تنها اثر باقی مانده از وی نیز همین کتاب است؛ که مجموعه‌ای است ارجمند، گرانقدر و سودمند.

نام کتاب

بیشتر آوردیم که ابن ندیم نام آن را بدینگونه ثبت کرده است:

«کتاب مکه و اخبارها و جبالها و اودیتها».^{۱۰}

سمعانی از آن با عنوان «اخبار مکه» یاد کرده است.^{۱۱} فؤاد سزگین از کتاب ازرقی با عنوان «اخبار مکه المشرفه أو کتاب فضائل الکعبه» یاد کرده است.^{۱۲} و بالأخره آقای رشدی صالح ملحق محقق کتاب بر پیشانی آن عنوان «اخبار مکه و ماجاء فیها من الآثار» را نهاده است. نامی که در «الفهرست» آمده، سازگارترین این نامها با محتوای کتاب است و روشن نیست محقق فقید کتاب، چرا از آن روی برتافته است.

اهمیت کتاب

اثر ارجمند ازرقی هماره مورد توجه عالمان و محدثان و مؤرخان بوده است. بسیاری از پژوهشیان از آن بهره برده و در سامان بخشیدن به پژوهشها بدان استناد کرده‌اند. عبدالکریم ابن محمد سمعانی، مورخ و شرح حال نگار پر اطلاع، که کتاب ازرقی را در محضر برخی از محدثان به درس خوانده است در باره آن می‌گوید:

محمد بن عبدالله ازرقی نوادهٔ أحمد بن محمد ازرقی صاحب کتاب «أخبار مکه» آن را در نهایت زیبایی و استواری نگاشته است.^{۱۳} محقق کتاب می‌گوید:

کتاب ازرقی را بدقت بررسی کردم و بحثهای آن را به ژرفی نگریستم، آن را کتابی یافتیم مهم با مواد سرشار، با این که از بحثهای اجتماعی و سیاسی تهی است اما پرفایده است و سودمند.

داوری محقق کتاب، در پرماده و سودمند بودن کتاب، کاملاً استوار است. اما تهی بودن از مسائل اجتماعی آن را، نمی‌توان پذیرفت. در نگاهی گذرا که به فصول کتاب خواهیم داشت، می‌توان دریافت که این کتاب مواد قابل توجهی در شناخت چگونگی اجتماع آن روز مکه، باورها و منشها و زندگانی آنها در خود جای داده است.

به هر حال کتاب ازرقی بلحاظ این که کهنترین اثر موجود در تاریخ مکه است و گزارشها و نقلهایش یکسر مستند است و در لابلای صفحاتش ستون و نصوص را، که برخی را بدینصورت در دیگر جایها نتوان یافت جای داده است، از اهمیت فراوان و جایگاه بلندی برخوردار است؛ و بی‌گمان پژوهشیان در تاریخ مکه و تاریخ اسلام و چگونگی‌های آن روزگار، از نگریستن بدان بی‌نیاز نیستند.

نگاهی گذرا به ابواب و فصول کتاب

ازرقی در تدوین کتاب، شیوهٔ استوار، سلیس و سهل الوصولی بکار گرفته است. گزارشهای کتاب را به ابواب و مباحثی تقسیم کرده و نقل گزارشها را با یادکرد سلسله اسناد آراسته است.

گزارشهای کتاب، از چگونگی پدید آمدن کعبه آغاز می‌شود و در ضمن نقلها، به چرایی نام‌گذاری مکه به «ام القری» اشاره می‌شود؛ آنگاه روایتی است مفصل به نقل از امام

چهارم - ع - که در ضمن آن به «بیت المعمور» نیز اشاره شده است (صص ۳۳ - ۳۲) در فصل بعدی چگونگی زیارت ملائکه است بیت الله الحرام را، و آنگاه هبوط آدم - ع - به زمین و ساختن کعبه و چگونگی آن گزارش شده است. این گزارشها غالباً از وهب بن منبه و کعب الأحبار است. تعبیر به «قَرَأَتْهُ فِي كِتَابٍ مِنَ الْكُتُبِ الْأُولَى» از وهب و گاه کعب و «وَجَدْتُ فِي التَّوْرَةِ...» در این نقلها تأمل برانگیز است. و نیز مراجعه عمر بن خطاب به کعب و درخواست توضیح درباره کعبه و حرم و مسائل مرتبط به آن (ج ۱، ص ۴۰).

وهب بن منبه و کعب الأحبار از عالمان آشنا به آثار یهودی - اسرائیلی هستند که در گسترش اسرائیلیات و افکار یهودی در آثار و منابع اسلامی نقش شگرفی دارند. اینگونه آثار که در بنان و بیان عالمان به «اسرائیلیات» یاد می‌شود؛ در دیگرسانی تفکر مسلمانان نقش مهمی داشته است که باید در جای مناسب خود بدقت بحث و ارزیابی شود.

چگونگی طواف حضرت آدم - ع - و دعای وی و خواسته‌هایش از خداوند متعال، و بر این پایه بنیان‌گذاری سنت طواف، فضیلت کعبه، چگونگی بیت المعمور و برابری آن با کعبه، که وهب بن منبه می‌گوید گزارش آن را در تورات یافتیم؛ و آنگاه گزارشهایی از جایگاه اصلی بیت المعمور... در ذیل عناوینی در صفحات بعدی آمده است (صص ۵۰ - ۴۰).

گزارشهای مربوط به بیت المعمور و چگونگی آن، تهافتها و اختلافها در چگونگی آن نیز در این مجموعه شایان دقت است. بنیادگذاری و یا تعمیر «کعبه» به همت ابراهیم - ع - و هجرت وی به این سرزمین و نهادن اسماعیل و هاجر در آن دیار، مسأله صفا و مروه و... در فصلی دیگر به تفصیل گزارش شده است (صص ۶۶ - ۵۳).

ابراهیم، این فریادگر توحید و نخستین معلم حج‌گزاری، چگونه حج می‌گزارده است، حج را چه‌سان اعلام کرد، پیامبران پس از وی چگونه طواف می‌کردند و سعی صفا و مروه چگونه بوده است، نماز در پشت مقام و... اینهمه، موضوع گزارشهای بعدی است (صص ۷۴ - ۶۶).

آنگاه از جایگاه بلند کعبه در ضمن تفسیر آیه «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ...» سخن رفته است و شأن نزول آیه گزارش شده است. سپس چگونگی شکل‌گیری آن دیار، شرافت سرزمین حرم و مردمان آن، چگونگی ولایت بر آن دیار و مکه و کعبه در گزارشی مفصل آمده و چگونگی ازدواج اسماعیل یا عشیره‌ای از عربهای آن روزگار، و ولایت فرزندان وی بر این سرزمین، چرایی نامگذاری بیت به «عتیق» و مکه به «بکه» یاد شده است (صص ۸۰ - ۷۴).

ولایت بر کعبه و مکه را «جرهمیان»^{۱۴} در اختیار داشتند، چگونگی ولایت و حاکمیت آنان بر این دیار، فساد و زشتخویی‌هایی که در ادامه حاکمیت، گریبانگیر آنان شد، بی‌حرمتی‌هایی که در آن دیار مقدس روا داشتند، به تفصیل آمده است (صص ۹۰ - ۸۰). پس از آن چگونگی ورود «خزاعه»^{۱۵} و استقرار آنان در آن سرزمین و تسلط بر آن دیار و گسترش حاکمیت آنها به تفصیل گزارش شده است (صص ۱۰۳ - ۹۰). پس از این گزارشها چگونگی رشد و زندگانی قصی بن کلاب، و دستیابیش به سرپرستی اداره بیت الله الحرام و مسائل مربوط به آن گزارش شده است (صص ۱۱۶ - ۱۰۳). پس از آن چگونگی پراکندگی فرزندان اسماعیل، بوجود آمدن رگه‌های انحراف عقیدتی، و فراهم شدن اولین نشانه‌های بت‌پرستی آمده است. بخشهای یاد شده، بلحاظ تاریخی و اجتماعی قابل توجه است. در لابلای این گزارش نکات ارجمندی از باورها، منشیها و بینشهای اجتماعی و اعتقادی مردم گزارش شده است که خواندنی و سودمند است.

چگونگی دیگرسانی بنیادهای اعتقادی، آغاز بت‌پرستی و گرایش به بت‌تراشی در سرزمین مکه پس از گزارشهای یاد شده آغاز می‌شود، در این فصل از اولین کسی که آهنگ بت‌پرستی را درانداخت نیز سخن رفته است، و از پیامبر - ص - نقل شده است که:

اولین کسی که پیرامون کعبه بت برافراشت و آیین حنیف (آیین ابراهیم) را دیگرگون کرد، عمرو بن لحي بود (ج ۱، ص ۱۱۷). آنگاه از اولین کسی که بت را در درون کعبه نهاد سخن رفته و چگونگی دو بت نهاده شده بر صفا مروه و تبدیل شدن حرمت‌گذاری به آن دو به سنت ناپسند و شیوه‌ای زشت در آیین حج آمده و در پی آن به تفصیل از کیفیت شکسته شدن بتها در جریان فتح مکه و مطالب مربوط به آن گزارش شده است (صص ۱۲۵ - ۱۱۶). جایگاه کعبه در اندیشه مردم، حرمت نهادن بر آن، بتهای گونه‌گون در آن دیار، قبیله‌ها و تیره‌های مختلف و بتهایی که آنها را تقدیس می‌کردند، برخی از آیینها و بزرگداشتها در پیشگاه بتان، باورها و اندیشه‌ها درباره کعبه، بتها و... در این بخش گزارش شده است. برخی از گزارشها از بعضی باورهای آنها و روشها و منشهایشان گویند که اندکی رنگ افسانه دارد ولی بر رویهم نشانگر وجهی از وجوه فرهنگی آن روزگاران تواند بود. بر این نکات بیفزاییم که بعضی از این آگاهیهای عرضه شده در «اخبار مکه» منحصر بفرد است و بسیار مهم.

پس از آنچه یاد شد، از دو حادثه مهم تاریخی که به آهنگ انهدام کعبه و تلاش برای تباہ ساختن این خانه دیرپای شکل گرفته بود، سخن رفته است و از انگیزه بوجود آوردن

این جریانها. گزارش این دو جریان که در تاریخ به «تبع» و «فیل» مشهور است دقیق است و سودمند و بگونه‌ای نشانگر مرتبت عظیم کعبه در دوران قبل از اسلام و انعکاس اهمیت آن در میان عرب و ملتها و قومها (صص ۱۵۴ - ۱۳۲) ازرقی انعکاس ماجرای اصحاب فیل را در ادب عربی نیز نشان داده است و برخی از اشعاری را که شاعران آن‌روزگار درباره این حادثه سروده‌اند آورده است.

فصل بعدی گزارش درازدامن، خواندنی و سودمند چگونگی فراز آوردن دیوارهای کعبه و ساختن دوباره آن و نصب «حجر الأسود» است. این گزارشها که به طرق مختلف نقل شده، سرشار است از مسائل اجتماعی و اعتقادی و غوره‌های باورها و اندیشه‌های جاهلیان درباره کعبه، مکه، حرم و...

چگونگی تصویرها و نقشهای دیوارهای کعبه نیز بدقت گزارش شده است و بدین مناسبت به تفصیل از ورود پیروزمندان رسول الله - ص - به مکه و زدودن آثار شرک از خانه توحید و نقش والای علی - ع - در شکستن بتها و قرائت پیام الهی به مردمان سخن رفته است.^{۱۶} (صص ۱۷۹ - ۱۵۷) در ادامه همین فصل از طواف جاهلیان و چگونگیهای طواف عریان، نقش قبیله (أحمس)^{۱۷} در این جریان و... سخن رفته است.

مردم دوره جاهلی در حج و غیر آن دارای سنتها و شیوه‌های اجتماعی و رفتاری بودند و گاه در انجام آن بس سختکوش و انعطاف‌ناپذیر. ازرقی در این بخش از برخی از سنتهای رایج در آن دوران در مناسک حج سخن گفته و در ضمن گزارشهای مفصل و گویایی جریان فکری - فرهنگی «خمس» و «حله» و چگونگی حج‌گزاری آنها نموده است.

چگونگی طواف، احرام، ارجگذاری آنها به کعبه، جریان «نسی»^{۱۸} انگیزه‌های آن و اولین کسی که این آیین را درانداخت و... به تفصیل گزارش شده است و در ضمن آن شأن نزول آیاتی روایت شده است، این فصل بلحاظ اجتماعی و عبادی شایان توجه است (صص ۱۹۴ - ۱۷۹).

پذیرایی از حاجیان و چگونگی مهمانداری، که در نهایت در دوره جاهلی تشکیلاتی با مسؤولیت خاص یافته بود^{۱۹} از جمله نکات جالب توجه تاریخی آن‌روزگار است. اطعام زائران، کیفیت اسکان آنها و دیگر مسائل مرتبط با حج‌گزاری را ازرقی به تفصیل گزارش کرده است (صص ۲۰۰ - ۱۹۴).

ازرقی در گزارشهای تاریخی، گاه سیر تاریخی جریانها را لحاظ نمی‌کند و به

مناسبت‌هایی وقایع تاریخ را گزارش می‌کند. در این بخش به تفصیل جریان آتش افتادن به کعبه و سنگباران کردن آن روزگار یزید را به فرماندهی حصین بن نمیر گزارش کرده و چگونگی تخریب و بازسازی آن را در دوران حاکمیت ابن‌زبیر و دیگرسانی‌های روا شده در ساختار کعبه را نقل کرده است. موضع‌گیری‌های گونه‌گون در این حادثه خواندنی است. کسانی این جریان را از حوزه قدرت انسان بیرون می‌دانستند و دست جبر را در آن کارساز. ازرقی می‌گوید:

اولین بار که از جبر سخن رفت در این حادثه بود (ص ۱۹۷).

از محمد بن کعب قرظی نیز در این موضوع گزارش‌هایی آمده است، آغاز یکی از این گزارش‌ها تأمل برانگیز است. او می‌گوید:

سلیمان بن عبدالملک روزگار خلافت، مشغول طواف بود و من برکنار او بودم.. (ص ۲۲۰)
محمد بن کعب قرظی از مفسران دوره تابعی و از دانشوران یهودی‌تبار و از اسرائیلیات گستران آن روزگار است. او [اولین کس یا] از اولین کسانی است که داستان غرائق را پرداخت و گستراند، چنانکه پیشتر اشاره کردیم، نقش مفسران و دانشوران یهودی تبار، در آلوده سازی فرهنگی، قابل توجه و شایان بررسی است ارتباط وثیق ایشان با حاکمیت‌ها، بویژه در دوران بنی امیه نیز باید در پژوهش‌ها مورد تعمق قرار گیرد اکنون و در این مقام سخن پژوهشگری را بیاوریم که هوشمندانه نوشته است:

طرفه این که هر چه راویان به معاویه و سازمان حکومتی وی نزدیکتر بودند، نقش آنها در ساخت و پرداخت و پراکندن اسرائیلیات گسترده است.^{۲۰}
و آنچه نقل کردیم یکی از نمونه‌ها و نشانه‌های آن است.

پس از آنچه آمد، از اشیاء گرانبهای آویخته شده بر کعبه سخن رفته است و از برخی اشیاء کهن بر جای مانده از روزگاران پیشین. ازرقی این گزارش‌ها را پی می‌گیرد و از آنچه در دوره اسلامی نیز در کعبه نهاده شده است، سخن به میان می‌آورد و حج‌گزاری هارون و فرزندان‌ش را گزارش می‌کند. متن عهدنامه محمد امین و عبدالله مأمون را می‌آورد که بلحاظ تاریخی شایان توجه است، سپس ازرقی بر سر سخن برمی‌گردد و از چاهی می‌گوید که در دوره جاهلی در درون کعبه کنده شده بوده است و هدایا را در درون آن می‌افکندند. (صص ۲۲۳-۲۵۳)

پوشش کعبه:

در این فصل ازرقی گزارشهای فراوان و متفاوتی می‌آورد. از اولین کسی که کعبه را پوشاند گزارش می‌دهد (ص ۲۴۹) و چگونگی پوشش آن را می‌نماید و نیز چگونگی عطرآمیزی کعبه را. این که پس از پوشش کعبه، سالهای واپسین پوشش را برمی‌گرفتند یا پوششهای بعد را بر روی آنها می‌هشتند، اولین کسی که پوششهای انباشته بر هم را برچید و... گزارشهایی است که در این فصل آمده است. گزارشهای ازرقی از پوشش و پوششهای کعبه مضطرب است. محقق کتاب در پانویست، اقوال مختلف را آورده و آنگاه گزارش فاکهی را نیز افزوده است و آنگاه به جمع روایات پرداخته و بالاخره نتیجه گرفته است که معاویه از اینگونه کسان نیست، و آنگاه ضمن گزارشی مفصل، سیر جریان پوشش را تا بدین روزگار آورده است. (صص ۲۸۶-۲۵۲).

در آغاز این فصل ازرقی گزارشهایی را می‌آورد که در ضمن آنها آمده است روز عاشورا روزی است که بر کعبه پوشش افکندند و... پژوهشگران در ساختگی بودن اینگونه نقلها، که مزدوران معاویه برای تقدس بخشیدن بر روز عاشورا و در نتیجه نیکو جلوه دادن درنده‌خوییهای آنان ساختند و پرداختند و پراکندند، تردید ندارند. واژه شناسان گفته‌اند، عاشورا برای روز دهم محرم الحرام پس از شهادت ابا عبدالله الحسین - ع - معروف شد، این واژه، واژه اسلامی است و در دوره جاهلیت بهیچ روی شناخته شده نبود.^{۲۱}

چگونگی ورود پیامبر به مکه، سال فتح مکه، نمازگزاردن آن بزرگوار در کعبه، اذان بلند بلال و عکس العمل قریشیان در برابر آن، گزارش پیامبر از گفتگوهای پنهانی آنان درباره بلال و رسول الله - ص - که از یکسو نشانگر خیره سریهای مشرکان و از سوی دیگر نشانی است از عظمت بلال و نمادی از پنهان آگاهی و معجزه رسول الله و... در صفحات دیگر کتاب آمده است. پیامبر در سال فتح مکه وارد مسجد شد. کلید دار کعبه عثمان بن طلحه را فرا خواند، کلیدها را از وی گرفت و وارد کعبه گشت، در درون خانه نماز خواند، و آنگاه کلیدها را به وی پس داد.

ازرقی در این بخش به تفصیل و دقت، چگونگی ورود پیامبر، همراهان و نمازگزاران آنها را گزارش کرده است. در بسیاری از اخبار و نیز آثار تفسیر چنین نموده شده است که گویا آیه: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا...»^{۲۲} در ماجرای پیشگفته، نازل شده است، این پندار استوار نیست و اکنون جای گفتگوی تفصیلی آن نیست!

کعبه این خانه دیرپای و دراز آهنگ، که اکنون سده‌هاست بر معبر تاریخ شکوهمند ایستاده است؛ با نامهای زیبا و هیجانباری نامبردار است، هر کدام از این نامها را زمینه و انگیزه‌ای است. ازرقی در این بخش این نامها و چگونگی نامگذاری کعبه بدانها را گزارش می‌کند؛ کعبه، مکه، بیت العتیق، القرية القدیمة و... را جزء این نامها آورده و در ضمن آن، از نامهای مکه نیز سخن گفته و از اولین کسی که در مکه اذان گفته یاد کرده است و نیز از شرافت این خانه در دیدگاه مردمان و این که هرگز روا نمی‌داشتند خانه‌ای فرازمندتر از آن بنیان نهاده شود. (صص ۲۸۳-۲۷۹).

در صفحات ۲۸۶ - ۲۸۳ تفسیر آیاتی آمده است درباره کعبه و آنگاه گزارشهایی است درباره اولین کسی که در خانه طواف کرد و در صفا و مروه سعی بجا آورد و... روشن کردن چراغ برای طائفان و راهیان کعبه و صفا و مروه نیز گزارش شده است. توصیف دقیق، ریزبینانه و همه سویه ازرقی از کعبه و چگونگی ساختمان آن، مساحت مسجدالحرام تا آن روزگار، ستونها، روزنه‌های داخل خانه، سقف، تطورات ساختمان، شاذروان، کیفیت کف ساختمان، درب خانه و نقش‌ها و کتیبه‌های آن و نیز چگونگی درب دیگری که بروزگاری در کعبه بوده است، آب زمزم و فضیلت آن بسیار خواندنی و آکنده از اطلاعات تاریخی است. (صص ۳۱۹ - ۲۸۶)

حجر اسماعیل (که کعبه، مکه و حج با خاطره جاویدان آن پیامبر بزرگ الهی عجین است) در مجموعه مسجدالحرام از جایگاه بلندی برخوردار است، مکانی عظیم آن تا بدانجاست که جزء بیت تلقی شده و در طواف باید داخل مطاف قرار گیرد. ازرقی در چگونگی حجر و اهمیت و عظمت آن گزارشهای جالبی دارد (صص ۳۲۱ - ۳۱۱)

وی به مناسبت یادکرد آن مسائل و حوادث شنیدنی و ارجمندی از صدر اسلام، قریش، عبدالمطلب، کودکی پیامبر - ص - و... آورده است. در همین بخش، جریان نزول سوره «تبت» و تأثیر شگرف آن در شکستن هیمنه دروغین ابولهب و همسرش را گزارش کرده؛ این گزارش نشان می‌دهد که آهنگ تأثیر گذار و شکننده این سوره الهی چگونه امّ جمیل را به دیوانگی و وحشیگری و فریادگری واداشته بود (ص ۳۱۶).

«حجر الأسود» در ساختمان کعبه جلوه‌ای شگرف دارد، نصوص روایی و تاریخی در عظمت و چگونگی آن بسیار است. ازرقی گزارش ارکان اربعه کعبه را با گزارشهای مرتبط با حجر الأسود آغاز کرده و روایات و گزارشهای بسیار خواندنی و دلنشین درباره آن آورده است.

از جمله به نقلهای مختلف آورده است که روزی بهنگام طواف، عمر در مقابل حجرالأسود ایستاد و گفت:

«بخدای سوگند می‌دانم که تو سنگی بیش نیستی، نه بهره‌ای داری و نه توان ضربه زدن و

اگر نبود که دیدم پیامبر تو را می‌بوسید هرگز نمی‌بوسیدم.»

علی - ع - او را مخاطب قرار داد و گفت: او هم می‌تواند بهره رساند و هم ضرر، و با استناد به کتاب الهی برای وی توضیح داد، آنگاه عمر گفت:

«پناه می‌برم بخداوند از کسی که در میان مردمی زندگی کند که در میان آنها ابوالحسن

نباشد (ص ۲۲۴)»

با گزارشهای ازرقی از ارکان اربعه، و چگونگی آنها، و روایات وارد شده درباره «ملتزم» و حد و حدود آن، جلد اول کتاب بر اساس تقسیم بندی محقق پایان می‌پذیرد. پس از پایان این جلد، ملحقات دراز دامن و سودمند محقق است که درباره آن سخن خواهیم گفت.

جلد اول کتاب بیشتر جنبه‌های تاریخی مکه را بروزگار جاهلیت و قبل از اسلام گزارش کرده است و در جلد دوم افزون بر گزارش جنبه‌های تاریخی دوره اسلام و اشاره‌هایی به پیش از اسلام، مسائل فقهی و چگونگی اعمال و حج‌گزاری نیز مورد توجه واقع شده است. و از اهمیت و فضیلت مشاهد مشرفه سخن رفته است. این بخش با مسائل مربوط به طواف آغاز می‌شود و در آغاز آن، این روایت دلپذیر آمده است که پیامبر - ص - فرمود:

«هر کس که بر کعبه طواف کند، خداوند - عزوجل - برای هر گامی که برمی‌گیرد

حسنة‌ای می‌نویسد و خطایی از او محو می‌کند (ص ۳)»

در این بخش، روایات و آثار بسیاری از پیامبر و صحابیان در عظمت و اهمیت طواف خانه خدا گزارش شده است و در ضمن آن، فضیلت بسیار طواف کردن، آداب طواف، نگاه به کعبه و چگونگی سخن گفتن به هنگام طواف، شعر سرودن، قرآن خواندن و... سخن رفته است. در ادامه این بحث ازرقی گزارش چگونگی طواف یکی از جَنّیان را آورده است و بدنبال آن گزارشهایی، این گزارشهاگو این که بیشتر شکل افسانه دارد ولی بروشنی نشانگر وجهی از وجوه باورها و فرهنگ دوره جاهلی است.

فضیلت طواف در ریزش باران ۲۳ هنگام طلوع و غروب آفتاب، ماه رمضان و... نیز در این بخش آمده است. یکی از نقاط مقدس و ارجمندی که همواره مورد توجه مردمان بوده و مسلمانان نیز در آنجا استغاثه می‌کنند و با خداوند راز می‌گویند «حطیم» است. در این که

حطیم چه مقداری از کنار حجرالأسود و باب کعبه را می‌گیرد گفتگو است، گزارش ازرقی نشانگر آن است که حطیم ما بین رکن، مقام و زمزم و حجر است. (ج ۲، ص ۲۳)

وی پس از تحدید حدود آن، اخباری را گزارش می‌کند که بیانگر جایگاه بلند کعبه در دیدگاه مردم در دوره جاهلیت بوده است و در آن روزگار، مردمان در این مکان برای استغاثه و دفع و رفع ستم تجمع و دعا می‌کردند. (ص ۲۸ - ۲۳)

پس از آنچه گذشت، نقلیهایی است در چگونگی مقام ابراهیم، و حوادث جاری در گذرگاه زمان درباره آن؛ مانند جابجای آن، طلاهای بکار رفته در آن، ارتفاع و حد و حدود آن. (صص ۳۹ - ۲۹) پس از این چگونگی بوجود آمدن چاه زمزم، ویرانی آن و سپس بازسازی به همت عبدالمطلب، و داستان نذر وی برای فرزند و ماجرای قربانی عبدالله به تفصیل آمده است. (صص ۴۹ - ۳۹) داستان نذر عبدالمطلب و آهنگ ذبح عبدالله و ماجراهای مرتبط بدان که در منابع تاریخی و آثار نگاشته شده در زندگانی و سیره پیامبر نیز آمده است،^{۲۴} چندان استوار نیست.^{۲۵}

جریان چاه زمزم، فضیلت آن، گوارایی آب آن و برخی از حوادث که بر آن رفته است و دیدگاهها و باورها درباره آن، در بخش دیگر آمده است. (صص ۶۲ - ۴۹)

گزارش تفصیلی و دقیق ازرقی از مسجدالحرام و مسائلی که با آن پیوند دارد، از اینجا شروع می‌شود، در آغاز وی به تفصیل از فضیلت مسجد و اهمیت نماز در آن سخن می‌گوید. وی بطرق مختلف این روایت را می‌آورد که پیامبر فرموده است:

«لَا تَشَدُّ الرِّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ: الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَسْجِدِ النَّبِيِّ وَالْمَسْجِدِ الْأَقْصَى»

و بدین سان خواسته است تا جایگاه بلند مسجدالحرام را بازگوید. اکنون بیفزاییم که در چگونگی این حدیث، که دستاویز ابن تیمیه و پیروانش در برخی از عقاید بی‌پایه آنها شده است، سخن بسیار است. برخی از محدثان و دانشوران عامه، بر این باورند که این حدیث بر ساخته است.^{۲۶}

درباره اولین کسی که نماز جماعت را بگونه دایره‌ای برگرد کعبه معمول داشت، محل گورهای دختران اسماعیل و برخی از آداب حضور در مسجدالحرام؛ مانند وضو گرفتن، خفتن و اعلان گمشده‌ها نیز مطالبی در این بخش آمده است. جالب است که ازرقی از یکی از شاهدان نقل می‌کند:

«پیامبر را دیدم در طرف در بنی سهم نماز می‌گزارد و مردم از برابر ایشان می‌گذشتند و میان آن

حضرت و مردم فقط یک وجب فاصله بود! (ص ۶۷)»

چگونگی ساختمان مسجدالحرام، و تطوراتی که بخود دیده است، از این بخش به بعد به تفصیل یاد شده است. آنچه در خلافت عثمان بوجود آمده (ص ۶۸) در دوران عبدالله بن زبیر (صص ۷۱ - ۶۹) ولید بن عبدالملک ابو جعفر منصور دوانیقی، مهدی عباسی و...

مساحت مسجدالحرام، شمار ستونهای آن، چگونگی طاقهای مسجد و شمار فاصله میان آنها، ویژگیهای درهای مسجدالحرام و شمار آنها و فاصله‌های آنها از یکدیگر، بلندای دیوارهای مسجد، سقف مسجد، مناره‌ها و کنگره‌ها، قنایله‌ها و سایبانهای مؤذنان، منبر و چگونگی آن. چاه زمزم، و حجره آن، دگرگونی‌هایی که به سال دویست بیست، روزگار معتصم در آن پدید آمد. جایگاه دقیق دارالندوه (مجمع و شورای عالی قریشیان) مسائل مربوط به دارالندوه و وظایف این انجمن که بلحاظ شناخت بافت سیاسی جامعه دوران جاهلی بسیار اهمیت دارد و مسائل بسیاری از تاریخ، جغرافیا، و شناخت باورها و اندیشه‌ها در این بخش آمده که بسی مهم است و برای محققان سودمند تواند بود. (صص ۱۱۴ - ۸۱)

در صفحات ۱۲۶ - ۱۱۴ چگونگی صفا و مروه، حد و حدود آن، کیفیت سعی صفا و مروه، سعی پیامبر، سعی سوارگان، فاصله صفا تا حجرالأسود، فاصله صفا تا مروه، پله‌ها در صفا و مروه و چگونگی ساخته شدن آنها، گزارش شده است.

پس از این گزارش تفصیلی حد و حدود حرم است که با گفتار بلند و مهم رسول الله - ص - در آستانه فتح، آغاز می‌شود (صص ۱۲۵ - ۱۲۱) و با احادیثی درباره بیت المعمور و چگونگی آن ادامه می‌یابد. آنگاه تعیین حدود حرم است و یاد کرد اولین کسی که علامتهای حدود حرم را فراز آورد (صص ۱۳۲ - ۱۲۶)

عظمت حرم و مرتبت رفیع آن، بزرگشماری لغزش و گناهان در آن دیار، پس از این، گزارش شده است. این بخش بلحاظ تاریخی، اجتماعی و فرهنگی شایان توجه است. روایات بسیاری در این فصل درباره چگونگی داد و ستد در حرم، زشتی و ناروایی برخوردهای ناسالم و سودجویانه در مکه و حرم، و بی‌توجهی به منشیهای انسانی انسان در آن دیار نیز نموده شده است. تأکید بر «امن» بودن این دیار و آزاد بودن مردم از قیدها و حاکمیتها و لزوم سر نهادن به احکام الهی، چگونگی مجازات مجرمان، قاتلان، سارقان و نابکاران، اگر به حرم پناه آوردند و یا در حرم مرتکب جرم شدند، در صفحاتی دیگر آمده است. (صص ۱۳۸ - ۱۳۱).

در صفحات ۱۵۹ - ۱۵۱ جایگاه مردم مکه در اندیشه جاهلیان و اسلام، ارج‌گذاری

پیامبر - ص - به مکه و سرزمین آن، سروده‌هایی که نشانگر مکان‌ت رفیع مکه در ادب عربی است، و مسائلی از این دست در ذیل عنوان «ما ذکر من اهل المکة انهم اهل الله - عزوجل -» آمده است.

پیامبر و یارانش که در مدینه جای گرفته بودند، یاد مکه و دلرباییهای آن را از یاد نمی‌بردند، یاد مکه برای آنان یاد کوی یار و زنده شدن خاطره‌های شکوهمند استقامت در راه دوست بود؛ از این روی بگونه‌گون شیوه، از آن روزگاران یاد می‌کردند و رسیدن به آن دیار را آرزو می‌بردند. این یادها و نگرشها را نیز ازرقی گزارش کرده است که سرشار است از عاطفه و بیان راز دل و سویدای قلب! (صص ۱۵۷ - ۱۵۳)

حدّ و حدود «مُحَصَّب» (مسیلی میان مکه و منا) نشان داده شده و اقامتگاه رسول الله - ص - پس از فتح مکه بروزهایی که در مکه بودند شناسانده و در گزارشهای گونه‌گونی آمده است که پیامبر - ص - پس از فتح مکه چون به مکه می‌آمد پس از طواف بالای مکه در حجون خیمه می‌زدند و اقامت می‌کردند. (صص ۱۶۴ - ۱۵۹)

به روزگار رسول الله - ص - و سالها پس از آن، بر خانه‌های مکه درب نمی‌نهادند و آنها را نمی‌فروختند و اجاره نمی‌دادند، اگر کسی بی‌نیاز از خانه‌اش بود آن را به نیازمندان وامی‌گذاشت. این شیوه تا کی ادامه داشت؟ و در ادامه، تاریخ این روش چگونه شد، در گزارشهای بعدی پاسخ را توان یافت. (صص ۱۶۵ - ۱۶۲)

اطراف مکه را کوههای بلندی فرا گرفته است. بارانهای تند در آن دیار، با وجود این کوهها، زمینه سیل‌های بزرگ و حادثه آفرین است. برخی از سیلابها در حافظة تاریخ باقی مانده و چگونگی آنها ثبت شده است. ازرقی ذیل عنوان «سیلهای مکه در دوره جاهلی» و «سیلهای مکه در اسلام» بسیاری از آنچه را یاد شد گزارش کرده و نام برخی از آنها را که به نامهای ویژه‌ای نامبردار شده‌اند، آورده و چرایی این نامها را نیز نموده است. این گزارشها ضمن برنامایی بخشی از چهره جغرافیای طبیعی مکه، نقش سیلها را در معیشت مردم و اوضاع اجتماعی و اقتصادی مردمان آن روزگار نشان داده است. (صص ۱۷۷ - ۱۶۶).

آنگاه ضمن گزارشهایی از حدود «منا» و جایگاهی که پیامبر در آن منزل می‌کردند، و نیز منزل اصحاب پیامبر - ص - سخن رفته و با یادکردی از مسجد خیف و چگونگی بنیادگرفتن آن، و دیگر مساجد منا، از اولین کسی که به جمرات ریگ افکند گفتگو شده و چگونگی نصب بتها در سرزمین منا گزارش شده است. مسائل مربوط به منا و اعمالی که باید

در آن دیار انجام شود و چگونگی شکل گیری این اعمال در صدر اسلام نیز در همین بخش آمده است. (صص ۱۸۹ - ۱۷۲) یادآوری کنم که ازرقی در ذیل گزارشهای مربوط به «مسجد کبش» دو گزارش متناقض را می آورد؛ یکی نشانگر آن که ذبیح اسحاق بود و دیگر بیانگر آن که ذبیح اسماعیل بود. روشن است که روایات مرتبط با اسحاق در این زمینه را مفسران یهودی تبار بر ساختند و گستراندند. به این نکته مفسران بزرگ اسلامی توجه داده اند،^{۲۷} گو این که مفسرانی چون طبری نیز نتوانسته اند از چنگ این گونه مجعولات رهایی یابند.^{۲۸}

حد و حدود مزدلفه (مشعرالحرام) چگونگی مسجد آن دیار و سابقه تاریخی آن، وقوف در مشعر الحرام و چگونگی آن، در گزارشهای بعدی آمده است. در این گزارشها به مناسبت، از آیینهای جاهلی به هنگام حج در این سرزمین یاد شده است. توصیف ازرقی از این سرزمین دقیق است و مسائل ریز و درشت این محیط و پست و بلندیهای آن را بدقت گزارش کرده است (صص ۱۹۴ - ۱۹۰) چنین است گزارش وی از عرفات و حد و حدود آن و نیز چگونگی وقوف در آن سرزمین ارجمند، و مسایل بسیاری درباره آن و نقطه ها و مکانهای موجود در آن. پس از اینهمه، ازرقی به شناسایی و شناساندن مساجد مکه می پردازد و در آن از جایهای سکونت صحابیان و برخی از قبایل سخن می گوید. آثار پیامبر، خانه خدیجه و بسیاری دیگر از جایها و خانه های آن روزگار که هر کدام حادثه و حادثه هایی از تاریخ اسلام را بر سینه داشته اند و اکنون حربه جهل حاکمان آن دیار، به تباهی کشانده است. با دقت تمام گزارش شده است: کوه حرا، غار ثور، راه پیامبر از غار حرا به ثور، مسجد بیعت (که در جایگاه بیعت پیامبر - ص - با یثربیان بنیاد گرفته است) مسجد جعرانه، تنعیم و... نیز در این بخش شناسانده شده اند (صص ۲۰۹ - ۱۹۸)

ازرقی در بخش دیگر به گزارش گورستانهای مکه و مدفونان آن می پردازد، جایگاه این گورستانها بدقت شناسایی شده و مدفونان در آن گورستانها معرفی شده اند. چگونگی بر گور نهادن مردگان در دوران جاهلی در گورستان معروف مکه در نزدیکی حجون و نیز توصیف گورستان مهاجران و چرای نامگذاری آن به «مقبرة المهاجرین» نیز در این بخش آمده است. ازرقی در این بخش به تفصیل از حضور پیامبر بر سر قبر مادرش آمنه بنت وهب و گریستن و سپس گفتگو با مردم یاد می کند، این گزارشها بلحاظ تاریخی بشدت مخدوش است. بر اساس گزارشهای استوار تاریخی آمنه بنت وهب - س - در «ابواء» یکی از منازل بین مکه و مدینه زندگی را بدرود گفت^{۲۹} و در همان دیار به خاک سپرده شد. گزارشهای دیگر

ازرقی نشانگر آن است که «آمنه در حال شرک زندگی را بدرود گفته، و پیامبر برای وی در هنگام حضور در این گورستان استغفار کرده و خداوند با فرو فرستادن آیه «ماکان للنبی والذین آمنوا ان يستغفروا للمشركین ولو كانوا اولیٰ قربی...»^{۳۰} او را از استغفار منع کرده است.

مفسران عامّه اینگونه اخبار را در این باره و نیز گاه با تفصیل و شاخ و برگ بسیار دربارهٔ ابوطالب - س - نیز آورده‌اند که از بنیاد تباه است.^{۳۱} سورهٔ توبه مدنی است و از آخرین سوره‌هایی است که بر پیامبر نازل شده است. و آن بزرگواران در مکه زندگی را بدرود گفته‌اند، چگونه این آیه پهنگام مرگ آنان و یا استغفار بر آنان نازل شده است. و گفتیم که قبر مادر بزرگوار آن حضرت در «ابواء» است چگونه پیامبر پهنگام حضور بر قبر وی در مکه و... این آیه نازل شده است؟! اینها افزون بر دلایل بسیار، است که نشانگر ایمان آن بزرگواران است.

در فصل بعدی از چاهها، چشمه‌ها و نخلستانها سخن رفته و چگونگی بوجود آمدن آنها نموده شده و مسائل تاریخی پیرامون آنها گزارش شده است؛ که بلحاظ شناخت جغرافیای طبیعی و آگاهی از وضع معیشت و دیگر مسائل اقتصادی و کشاورزی آن روزگاران بسیار سودمند است (صص ۲۳۲ - ۲۱۴).

آخرین گزارش خواندنی سودمند و دقیق ازرقی گزارش از خانه‌ها، محله‌ها، کوههای اطراف مکه است. توصیف‌ها بسیار دقیق است و آمیخته به آگاهیهای جنبی و مفید، به مثل «خانهٔ اسود بن خلف خزاعی ... که به صد هزار دینار خرید و آن همان دارالأماره است یا (دارالسلامه) کنار بازار کفش دوزها (ص ۲۳۴). خانهٔ خاندان حرب بن امیه که به آن خانهٔ ریطه دختر ابی العباس هم می‌گویند و همان خانه‌ای است که پیامبر - ص - روز فتح مکه فرمودند: «هر کس به خانه ابوسفیان وارد شود در امان خواهد بود (ص ۲۳۶) و...»

آنچه تا بدینجا آمد نگاهی بود بسیار گذرا به بخشها و فصول کتاب ازرقی. این نگاه گذرا نیز می‌تواند به خواننده اهمیت آن را در پژوهشهای تاریخی و اسلامی در ابعاد مختلف نشان دهد. کتاب ازرقی منبعی است مهم و مأخذی است سرشار از آگاهیهای گونه‌گون و بی‌گمان هیچ پژوهشدهٔ تاریخ اسلام از در نگریستن بدان و بهره‌گرفتن از آن بی‌نیاز نیست.

اخبار مکه تألیف کیست؟

اخبار مکه با ویژگیهایی که دیدیم تألیف کیست؟ ابوالولید محمد بن عبدالله بن احمد الأزرقی، و یا احمد بن محمد بن ولید یعنی جد او و ستفلد^{۳۲} می‌گوید:



این کتاب از برخی موارد مانند سیره ابن هشام است از آن روی که در نگارش و تدوین این نیز کسان متعددی دست داشته‌اند. نهایت سیره ابن هشام گزینش شده است از سوی چند نفر و اما اخبار مکه افزونی یافته. این کتاب مجموعه‌ای کوچک بوده است، کسانی بر آن افزودند تا بدینصورت درآمد.^{۳۳}

محقق کتاب می‌گوید:

بدون هیچ تردیدی مؤلف و عبارتی روشنتر جمع‌کننده و نظم دهنده کتاب محمد بن عبدالله ازرقی است که آن را از جدش و کسانی دیگر از محدثان روایت می‌کند. نهایت روایت وی از جدش بسیار فراوان است، تا بدانجا که می‌توان گفت بن مایه کتاب از آن جد اوست.^{۳۴} سپس محقق کتاب نشان می‌دهد که بر نسخه ازرقی راویان دیگری نیز مطالب و نقل‌هایی افزوده‌اند.

گزینشهای کتاب

چنانکه پیشتر آمد، اخبار مکه در آغاز کتابی کوچک بوده است که پس از تألیف آغازین، افزونیهایی یافت و کتابی بزرگ سامان گرفت. پس از آن کسانی از محققان به گزینش آن همت گماشتند و برخی آن را به نظم کشیدند:

۱- سعدالدین بن عمر اسفرانی مکی

وی از عالمان قرن هشتم هجری است که کتاب را گزین کرده و آن را «زبدة الأعمال و خلاصة الأفعال» نامیده است. کتاب اسفرانی دو بخش بوده است. الف: درباره مکه که آن را پس از فرا گرفتن کتاب ازرقی از محمد بن احمد قرشی مکی شافعی در مکه از آن برگزید، ب: درباره مدینه که بدان افزوده بوده است. محقق کتاب آقای رشدی ملخس نسخه‌هایی از آن را نشان داده است.

۲- یحیی بن محمد الکرمانی

وی از عالمان قرن نهم هجری است که به سال ۸۲۱ هجری کتاب ازرقی را گزین کرده است. او در این گزینش اسناد را افکنده و برخی از مطالب بدان افزوده است. وی کتاب را «مختصر تاریخ مکه المشرفة» نامیده^{۳۵} است از این کتاب نیز نسخه‌ای باقی است.^{۳۶}

۳- عبدالملک بن احمد... انصاری اُرمانی

از فقیهان شافعی قرن هشتم هجری است که اخبار مکه ازرقی را به شعر کشیده است. ابن حجر عسقلانی از او یاد کرده است و گویا از کتاب وی اثری باقی نمانده است.^{۳۷}

تحقیق کتاب

پیشتر اشاره کردیم که اخبار مکه نخست بار بهمت مستشرق آلمانی وستنفلد، تصحیح و تحقیق شده و نشر یافته است. عبدالرحمن بدوی می‌گوید:

اخبار مکه ازرقی را وی ضمن مجموعه‌ای با عنوان «اخبار مکه: نصوص عربیه» نشر داد که اولین جلد آن قرار گرفته بود...^{۳۸}

وی کتاب را براساس سه نسخه مقابله، تحقیق و تصحیح کرده و سپس در لایپزیک آلمان به چاپ سپرده‌اند. او چهارده صفحه تصحیحات را برآن افزوده و در مقدمه‌ای دراز دامن از زندگانی ازرقی و کتابش سخن گفته و چگونگی نسخه‌ها را شناسانده است.

چاپ مورد گفتگو

مرحوم رشدی صالح ملخس در مقدمه کتاب بر اهمیت چاپ پیشین، تأکید می‌کند و بر تلاش محقق کتاب ارج می‌نهد، اما بلحاظ کاستیها، تحریفها و تصحیفهایی که در آن راه یافته برچاپ مجدد و دقیق آن همت گمارده است. این چاپ دقیق است و همراه با افزونیهای است که بر اهمیت و سودمندی آن افزوده است. که اکنون به چگونگی تحقیق وی می‌پردازیم:^{۳۹}

۱- متن کتاب

محقق کتاب را بر اساس سه نسخه خطی و چاپ اروپای آن مقابله، تصحیح و تحقیق کرده است. او در آغاز سه نسخه خطی را مقابله کرده و آنگاه نتیجه را با چاپ اروپایی سنجیده و اگر در مواردی برایش اطمینان حاصل نشده، به منابع تاریخی مراجعه کرده و با تطبیق نقلهای کتاب با منابع تاریخی دیگر، کوشیده است تا متنی منقح و استوار عرضه کند.



۲- پانوشتها

در پانوشتها نسخه بدلها را ضبط کرده و برخی اعلام و جایها و مبهمات متن را توضیح داده است و به برخی از اشتباهات متن با مقابله و تطبیق با منابع دیگر تنبّه داده و گاه واژه‌های دشواریاب را معنا کرده است. در پانوشتها افزون بر آنچه یاد شد، در تصحیح و یا تکمیل گزارشها مطالب سودمندی آورده است؛ مانند توضیح دربارهٔ چگونگی تصویرها در درون کعبه (ج ۱، ص ۱۶۵) و برخی از مکانها. (ص ۱۹۱)

پوشش کعبه (ص ۲۵۲) نامهای کعبه (ص ۲۷۹) حجرالأسود (ص ۳۴۶) تطورات ساختمانی صفا (ج ۲، ص ۱۲۰) مدفونان مقبرة المهاجرین (ص ۲۱۳). پانوشتهای توضیحی محقق سودمند است و کارآمد.

۳- پیوستها

گفتم محقق، کتاب را در دو جلد چاپ و منتشر کرده است. و بر هر دو جلد پیوستهایی دارد مهم و سودمند.

پیوستهای جلد اول چنین است:

الف: تکمیل گزارشهای ساختمان کعبه و نوسازیهای آن، او بر اساس گزارشهای ازرقی نشان می‌دهد که تا زمان حجاج بن یوسف، کعبه ده بار ساخته شده است، آنگاه یازدهمین بازسازی کعبه را که بروزگار پادشاهی سلطان مراد پسر سلطان احمد از پادشاهان عثمانی اتفاق افتاد، به تفصیل آورده است. این گزارش بگونهٔ روزانه است و دقیق (صص ۳۷۳ - ۳۵۵).

ب: ازرقی نقل می‌کند که عمرو بن لحي بت «خَلَصَه» را در پایین مکه قرار داد (ص ۱۲۴) اقوال مورخان دربارهٔ عنوان «ذوالخَلَصَه» متهافت است. ذوالخلصه بت بوده است و یا بتخانه؟ چه کسی و چه کسانی آنها را بر ساخته و می‌پرستیدند. محقق به تفصیل اقوال مورخان را آورده و آنها را با هم سنجیده و نتیجه نهایی را محققانه و عالمانه بازگفته است (صص ۳۸۹ - ۳۷۴)

ج: ازرقی نسخه نامه‌هایی که مأمون همراه تختی برای کعبه فرستاده بوده است آورده و ما پیشتر از آن یاد کردیم. این نامه‌ها بسیار مغلوط و مغشوش است. محقق متن نامه‌ها را به علامه ادیب مصری احمد زکی پاشا می‌فرستد تا در حدّ توان اصلاح کند، در این پیوست مصاحبهٔ وی را آورده است.

پیوسته‌های جلد دوم چنین است:

الف: ازرقی توسعه مسجد الحرام و چگونگی ساختمان آن را تا روزگار خلافت مهدی عباسی گزارش کرده است. محقق کتاب افزونیهای آن را تا روزگار عثمانیها پی گرفته است. (صص ۳۰۹ - ۳۰۵)

ب: ازرقی برخی از میقاتها را شمرده و حدودی از حرم را گزارش کرده است، محقق کتاب بر این بخش نیز افزونیهایی دارد و از میقاتهای باقی مانده یاد کرده است. (صص ۳۱۰ - ۳۰۹)

ج: ازرقی از سیلهای بسیاری که در مکه جاری شده بود یاد کرده است. محقق سیلهای مهمی را که در تاریخ ثبت شده و ازرقی از آنها یاد نکرده بود، آورده است. او مجموعاً از ۸۵ سیل یاد می‌کند که آخرینش به سال ۱۳۵۰ جاری شده است.

د: ازرقی به قناتی که زبیده آن را خرید و به مکه رساند اشاره می‌کند، محقق کتاب از قنات دیگری نیز یاد می‌کند که آن را زبیده به مکه رسانده و از گزارش آن ازرقی غفلت کرده است.

ه: محقق کتاب توسعه مسجد الحرام را از سال ۱۳۸۵ - ۱۳۷۵ در دوران سعودی نیز بدقت گزارش کرده است. پیوسته‌های محقق عالمانه و دقیق است و فواید کتاب ازرقی را تکمیل کرده است.

۴- فهرستها:

فهرستهای فنی کتاب، متنوع، کارآمد و سودمند است.

۱ - فهرست آیات، این آیات غالباً همراه است با تفسیر و یا شأن نزول که برای مفسران و محققان سودمند تواند بود.

۲ - فهرست احادیث، که تمام آنها مسند است و برخی بلحاظ تاریخی و اعتقادی مهم.

۳ - فهرست انبیاء، در این فهرست از ابراهیم، آدم، اسحاق، اسماعیل، داود، شیث، صالح، عیسی، محمد، موسی، نوح، هود، یعقوب، یوسف و یونس - علیهم‌السلام - سخن رفته است. آنچه در این کتاب از آنها گزارش شده است غالباً بگونه‌ای با کعبه در پیوند است.

۴ - خدمتگزاری کعبه. در این فهرست از نگهبانی، آبرسانی، مهمانپذیری، رهبری انجام مراسم، و... یاد شده است چنانکه پیشتر گفتیم این بحثها بلحاظ نشانگری بافت سیاسی

و اجتماعی تاریخ مکه بسیار مهم است.

۵ - روزهای تاریخی. روزهایی که بلحاظی در تاریخ مکه جلوه داشته است در این فهرست آمده است؛ به مثل، روز واقعه فیل، روز بنای کعبه، هجرت، احد، عکاظ، احزاب و...
۶ - بازارهای عرب، در این فهرست از چهار بازار مهم یاد شده است، حباشه، ذوالمجاز، ذوالمجنه و عکاظ.

۷ - بتها. که بلحاظ شناخت بنیادها و گرایشهای اعتقادی و باورهای گونه‌گون جاهلیان، بسیار مهم است، پیشتر نیز آوردم که گزارشهای ازرقی در این بخش گاه منحصر بفرد است.
۸ - فهرست کسان

۹ - فهرست قومها، قبیله‌ها، گروهها و خاندانها. مانند أزارقه، آل جحش، دوس، أوس، خزرج، ثقیف، ثمود، کتانه، قریش، هاشم، هذیل و...
۱۰ - جایها، سرزمینها، چاهها، درب‌های گونه‌گونه مسجد الحرام و... آبادیها، شعبها، محلّه‌ها و... در این فهرست آمده است.

۱۱ - قوافی اشعار

۱۲ - فهرست مصادر، تحقیق و تصحیح که با تمام دقت شناسانده شده است.

۵- مقدمه کتاب

محقق کتاب مقدمه‌ای نگاشته‌اند سودمند و در ضمن آن مقدمه از آغاز تدوین در اسلام، پیشینه نگاشته‌های محققان و مؤلفان درباره مکه، زندگانی مؤلف و خاندان وی سخن گفته است. آنگاه از «اخبار مکه» بحث کرده و چگونگی تألیف آن را نموده است. سپس به گزینشها و دیگر کارهای انجام شده درباره آن پرداخته و چگونگی چاپ اروپا را نشان داده و کاستیها و نارساییهای آن را نمایانده است. و در پایان از شیوه تحقیق خود گفتگو کرده و نسخه‌های معتمد را شناسانده است.

ترجمه کتاب

آقای دکتر محمود مهدوی دامغانی از استادان فاضل دانشگاه و از مترجمان پرکار متون تاریخی که با ترجمه‌های بسیار ایشان، جامعه کتابخوان ما آشناست به ترجمه این کتاب همت ورزیده و این اثر گرانبه را با نثری روان و خوشخوان نشر داده است. ترجمه آقای

مهدوی دامغانی، دقیق و یکدست و خواندنی است. وی در ترجمه بلحاظ اهمیت کتاب، اسناد را نیز آورده است. چنانکه یادکردیم محقق محترم در پانوشتها، اختلاف نسخه‌ها را بدقت ضبط کرده و گاه واژه‌های دشواریاب را معنا کرده است. از اینهمه، مترجم محترم در ترجمه متن بهره برده است و جز موارد لازمی را که هم در فهم متن نقش داشته نیاورده است. بیوستها و توضیحات محقق در پایان کتاب و نیز پانوشتها یکسر ترجمه شده است، مترجم محترم خود نیز توضیحات فراوانی درباره‌ی اعلام متن، جایها و موضوعات افزوده، و هر جا را با اندیشه و عقاید تشیع در تنافی یافته با دقت توضیح داده و به منابع دیگر ارجاع داده است. سخن درباره‌ی ازرقی و کتاب گرانقدر وی بدرازا کشید؛ بر آن بودم که مطالب کتاب ازرقی را با کتاب فاکهی بسنجم و نشان دهم همانندیهای موجود بین این دو کتاب از چه روست؟ آیا فاکهی از ازرقی گرفته است و یا هر دو بر سر چشمه‌ای دیگر استوارند و مطالب دیگر. که ضیق مجال را می‌گذارم و می‌گذرم و از خداوند توفیق زیارت و حضور در دیار قدس و حریم دوست را می‌طلبم. بمنّه و کرمه

پی‌نوشتها:

- ۱ - میقات، شماره ۳، ص ۲۲.
- ۲ - چنانکه پیشتر یاد کرده‌ایم (میقات شماره ۳، ص ۲۲۳) کتابی با عنوان «تاریخ مکه» به حسن بصری نسبت داده‌اند و گویا نسخه‌ای از آن، در کتابخانه تیمور در دارالکتب المصریه وجود دارد (تاریخ المدینه المنوره، ج ۱، مقدمه، اما از چگونگی آن و صحت انتسابش، اطلاعات دقیقی در اختیار نیست).
- ۳ - الفهرست، ص ۱۲۵ - ۱۲۴.
- ۴ - أخبار مکه (مقدمه)، ص ۱۳.
- ۵ - کشف الظنون، ج ۱، ص ۳۰۶.
- ۶ - أخبار مکه، مقدمه، ص ۱۳.
- ۷ - العقد الثمین.
- ۸ - اخبار مکه (مقدمه).
- ۹ - الاعلام، ج ۶ ص ۲۲ و نیز بنگرید به معجم المؤمنین، ج ۳، ص ۴۲۹، چاپ مؤسسة الرساله.
- ۱۰ - الفهرست، ص ۱۲۵.
- ۱۱ - تاریخ التراث العربی، ج ۱، جزء دوم، ص ۲۰۳.
- ۱۲ - الأنساب، ج ۱، ص ۱۲۲، چاپ بیروت.

- ۱۳ - الأنساب، ج ۱، ص ۱۲۲، چاپ بیروت.
- ۱۴ - جُرهم، بخشی هستند از «قحطانیان» چگونگی انتقال آنان از یمن به مکه و چگونگی بسط و گسترش و حکومتشان در آن دیار را بنگرید: معجم قبائل العرب، ج ۱، ص ۱۸۳ و منابعی که در آن آمده است.
- ۱۵ - خُزاعه، از قبایل بزرگ عرب دوره جاهلی و... رک: معجم قبائل العرب، ج ۱، ص ۳۳۸ و منابعی که در آن آمده است.
- ۱۶ - گزارش ازرقی از این حادثه یعنی ابلاغ پیام برائت به وسیله علی - ع - و وقایع قبل و بعد آن، شامل و کامل نیست. در این باره رک: احقاق الحق، ج ۱۴، ص ۴۹۹؛ التبیان، ج ۵، ص ۱۶۹؛ مجمع البیان، ج ۵، ص ۳ و...
- ۱۷ - ص ۱۰، ج ۱، برعلا لثابلاً جم جمه: کر، ماہتدباء و کسانم و ی گذنژ و ویشرد ی باهیگز یو ی اراد برع ز ا ی لیا یق - ۱۷.
- ۱۸ - برای آگاهیهای بیشتر در باره «نسی»، رک: التفهیم لأوائل صناعة التنجیم، ص ۲۲۳ و ذیل آیه ۳۶ از سوره توبه در تفاسیر.
- ۱۹ - مکه والمدينة فی الجاهلیه و عهدالرسول، احمد ابراهیم شریف، صص ۱۸۹ - ۱۸۸؛ نظام الحكم والإدارة، محمد مهدی شمس الدین، ص ۱۱۷.
- ۲۰ - بحوث مع اهل السنه و السلفیه، سید مهدی روحانی، ص ۸۴ و نیز رک: ربیع الأبرار، ج ۲، صص ۸۴۴ - ۸۴۳.
- ۲۱ - النهایه، ج ۳، ص ۲۴۰، الجهمره فی لغة العرب، ج ۴، ص ۲۱۲ و نیز بنگرید: مجله الهادی، سال هفتم شماره ۲، ص ۳۶؛ الصحيح من سيرة النبي الأعظم، ج ۳، ص ۱۰۴.
- ۲۲ - نساء: ۵۸، رک: المیزان، ج ۴، ص ۳۷۸؛ التمهید، ج ۱، ص ۱۴۷.
- ۲۳ - بهمن سال ۱۳۷۲ توفیق بجاءوردن عمره رفیق گشت. در مکه کتاب ازرقی را به همراه داشتیم و برای همین مقاله می خواندم و یادداشتهایی از آن برمی گرفتم. به روایات فضیلت طواف در ریش باران رسیدم آرزو کردم این توفیق نصیب شود. روزی بهنگام نماز ظهر باران شدیدی درگرفت زائران خانه خدا و راهیان حریم دوست با اشتیاقی شگرف برگرد خانه می چرخیدند و احساس لطیف رحمت الهی جانها را از شوق آکنده بود. من نیز چونان «خسی» در آن «میعاد» در انبوه مردم دلداد به الله طواف می کردم. بسیاری پس از طواف به حجر اسماعیل رفتند تا تن و جان را در ریش آب بام کعبه، زیر ناودان بشویند، اما شرطه های آل سعود بر سروروی مردم می زدند و با نمره های شرک! شرک! مردم را می رانند.
- ۲۴ - و نیز رک: الکافی، ج ۴، ص ۲۱۷؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۴۷.
- ۲۵ - بنگرید به کتاب «من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۸۹؛ علی دوانی تاریخ اسلام از آغاز تا هجرت، ص ۵۴؛ الصحيح من سيرة النبي الأعظم، ج ۱، ص ۶۹.
- ۲۶ - این محتوی بگونه دیگر نیز نقل شده است. برای آشنایی با حدیث، راویان و چگونگی آن رک: نقد الحديث فی علم الروایه و علم الدرايه، دکتر حسین الحاج حسن، ج ۲، ص ۴۰، الوهابیه فی المیزان، ص ۱۴۸ به بعد، السنه قبل التدوین، ص ۵۰۲.
- ۲۷ - رک: تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۱۷؛ التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۴۷۴؛ المیزان، ج ۱۷، ص ۱۵۵. محاسن التأویل، ج ۱۴، ۱۲۱ و...
- ۲۸ - جامع البیان فی تأویل آی القرآن، ج ۲۳، ص ۸۵.
- ۲۹ - سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۱۷۷، امتاع الأسماع، ج ۱، ص ۷؛ سیره حلبی، ج ۱، ص ۱۰۵.
- ۳۰ - توبه: ۱۱۳.
- ۳۱ - تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۳۴۴؛ فی ظلال القرآن، ج ۳، ص ۱۵۶۴؛ تفسیر الحديث، ج ۱۲، ص ۶۴.
- ۳۲ - مستشرق بزرگ و سختکوش و پراطلاع آلمانی و محقق و مصحح متون کهن بسیار، که برای اولین بار «اخبارمکه» را به سال ۱۸۵۷ به چاپ سپرد، رک: الأعلام زرکلی، ج ۸، ص ۹۹؛ موسوعة المستشرقین

- عبدالرحمن بدوی، ص ۳۹۹ که دقیقترین و مفصلترین شرح حال وی و نیز آثارش را نوشته است؛ المستشرقون، نجیب العقیقی ج ۲، ص ۳۶۷؛ فرهنگ خاورشناسان، ابوالقاسم حالت، ص ۳۵۴.
- ۳۳ - اخبار مکه، (مقدمه)، ص ۱۶.
- ۳۴ - همان، ص ۱۶.
- ۳۵ - اخبار مکه، (مقدمه) ص ۱۸ و نیز رک: معجم المؤلفین، ج ۳، ص ۵۶۶ چاپ مؤسسة الرسالة.
- ۳۶ - همان، ص ۱۹، و نیز رک: الأعلام، ج ۸، ص ۱۶۶.
- ۳۷ - الدرر الكامنه، ج ۲، ص ۴۱۴؛ اخبار مکه، (مقدمه)، ص ۱۹.
- ۳۸ - موسوعة المستشرقین، ص ۴۰۱.
- ۳۹ - چاپی که ما از آن استفاده کرده‌ایم افسست از روی چاپ سوم آن است، نشر یافته به سال ۱۴۰۳، بیروت دارالاندلس. ویژه گیهای کتابشناسی چاپ مورد استفاده چنین است: «اخبار مکه» انتشارات الشریف الرضی، قم، ۱۴۱۱.

